

ایران

صاحب امتیاز:
فره‌گزاری جمهوری اسلامی

آدان شهر ۱۲/۱۷ | آدان مغرب ۱۷/۴۴ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۳ | آدان صبح فردا ۵/۴۲ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۹

امام جعفر صادق (ع)؛

چون خدا خیر بنده‌ای را خواهد او را نسبت به دنیا بی‌ رغبت و نسبت به دین دانشمند کند و به دنیا بی‌بانش سازد و به هر که این خصلت‌ها داده شود خیر دنیا و آخرت داده شده.

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۹۶



کیان رادیویان



هنرمندان

چهره‌های صاحب‌نامی این روزها سالگرد تولدشان است و هنرمندان زیادی در اینستاگرام خود تولد بزرگ‌ ترهای خود را تبریک گفته‌اند که آوردن همه آنهاحتماً در این مجال اندک نمی‌گنجد... از تبریک‌ها بگذریم و سری برنیم به نوشته‌های هنرمندان درباره آثار تازه‌شان.

چهره‌ها

سارا بهرامی بازیگر سریال حرفه‌ای عکسی دسته‌جمعی با همکارانش دراین سریال منتشر کرده و نوشته: این عکسو خیلی زیاد دوست دارم، به نظر من مهمترین دستاورد در هر کاری اندازه رفاقت واحترامی است که در پایان با خودت به همراه داری. زانبار، انقدر آشناست انقدر صمیمی و دوست داشتنی، انگار همخون آدم، مصطفی کارگردان دقیق و رفیق بسیار خوب و همراه، سیروان حرفه‌ای و متمرکز و بسیار خوش‌رو و ماهور، ماهور مهربون، زیبا و دوست داشتنی...

الهام پنازه‌آدم هم عکس‌های تازه‌ای منتشر کرده از چهره‌های نام‌آشنایی که به تماشای تئاتر او «کافه پولشری» نشسته‌اند. او در توضیح این عکس‌ها نوشته: «آلبوم سوم هنرمندانی که به مهر میزبان‌شان در کافه پولشری بودیم، قدردان حضور همگی هستم. داشتن دوستان هنرمند درحوزه‌های مختلف از اقبال منه. کافه پولشری فقط چهارشنبه‌وپنجشنبه بر صحنه خواهد بود...»

مهتاب کرامتی بازیگر سینمای ایران عکس تازه‌ای از خودش در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته: «آتش سبزی‌فیلمی که بسیار دوستش دارم، عکس از دوست خوبم محسن رسول‌اف که دیگر در بین ما نیست.» محسن رسول‌اف عکاس و کاریکاتوربست جوان سال ۱۳۸۷در ساتحه هوایی در قرقیزستان درگذشت.

ناهد طباطبایی هم در اینستاگرامش خبر از چاپ کتاب تازه‌اش داده و خیلی کوتاه نوشته: «این هم از زمان جدیدمن» طباطبایی از جمله نویسنده‌هایی است که آثارش مورد توجه سینماگران هم هست و داستان «همایون» از مجموعه داستان «جامه‌دران» به‌طور مشترک توسط ناهید طباطبایی و حمیدرضا قطبی برای فیلمی به همین نام نوشته شد.

ابراهیم امینی فیلمنامه‌نویس هم از شروع بلیت‌فروشی فیلم «دسته دختران» خبر داده و نوشته: «یعنی‌ها شهر رو گرفتند. گفت: شما برید، نمیدونم کجا! فقط توی خرمشهر نمونهید... سه روز تا شروع پیش فروش بلیت‌های دسته دختران در چهلمین جشنواره فیلم فجر. کارگردان: منیر قیدی. تهیه‌کننده: محمدرضا منصوروی. با بازی نیکی کریمی، پانته‌ا پناهی‌ها، فرشته حسینی، هدی زین‌العابدین، صدف عسگری، حسین سلیمانی، یاسین مسعودی، محمد صدیقی‌مهر و مهدی حسینی‌نیا»

حسام‌الدین سراج همکاری تازه‌ای با محمود دولت‌آبادی انجام داده که در قالب یک اثر موسیقایی است با اشعار از خیام نیشابوری که آن را در صفحه شخصی خود معرفی کرده است.این کار به روایت استاد محمود دولت‌آبادی، آهنگسازی ساسان بازگیر و آواز حسام‌الدین سراج است و دراین باره نوشته: «فکر کنید به دنیای دیگر رفته‌اید مثلاً به بهشت رفته‌اید و خیام برای شما هستی را روایت می‌کند. در این حال خیام بهتر فهمیده می‌شود. چرا که در آن دنیا محدودیت‌های ادراک وجود ندارد و فکر به وسعت بی‌نهایت هستی آزاد است.»

دیگه چه خبر؟

این روزها سریال «**نوارزد**» پخش می‌شود. اما بدون حضور امیر آقایی در نقش کاوه کیهان. عدم این حضور باعث سوالاتی شد که خود امیر آقایی در صفحه خود به آن پاسخ داد: «بنده مطلقاً به دلیل تداخل قرارداد و تعهد به پروژه‌ای دیگر از همراهی عزیزانم باز ماندم و با هر تلاشی موفق به هماهنگی و قبول مسئولیت نقش کاوه پنجهان نشدم. برای همکاری‌م در تهیه این سریال بهترین‌ها را آرزو می‌کنم، سیاس می‌گویم بانیبال شومون عزیز را برای لطف و پذیرش مسئولیت نقش. روح سیروس گرجستانی عزیزم فرین رحمت و نور باشد که جایش بسیار خالی است و یقین دارم از دیدن سری جدید سریال، لذت خواهیم برد.»

«گفتم مادر الان بعضی‌ها می‌رسن.» گفت: بنار کلید بردارم، وقتی برگشتم در خونه رو با چی باز کنم؟» این دیالوگ‌های فیلم «**دسته دختران**» به کارگردانی منیر قیدی است که هدی زین‌العابدین خبر پیش فروش بلیت‌های این فیلم را در چهلمین جشنواره فیلم فجر داده است. نیکی کریمی، پانته پناهی‌ها، فرشته حسینی، هدی زین‌العابدین، صدف عسگری، حسین سلیمانی در این فیلم بازی دارند.

او نماد وحدت و مرزگستری هویت ایرانی اسلامی انقلابی است

مجید بذرافکن؛ خبردار شدم برادر جانباز و مجاهدمان، امیرسعیدزاده سردشتی، قهرمان کتاب عصرهای کریسکان به یاران شهیدش پیوست، اما صحنه‌های زیبایی از جهاد و مقاومت را برای مردان و زنان سرزمینش به برگ گذاشت تا الگوی اصیل زن مرد کرد مسلمان را معرفی کند. کردستان، سرزمین مجاهدت‌های خاموش، خاطرات ناگفته زیادی در دل دره‌های عمیق و کوه‌های سر به فلک کشیده‌اش دارد که مظلومیت و مقاومت ساکنانش را فریاد می‌زند. امیر سعیدزاده سردشتی بانهای در جدار مرزی ایران دارای شبکه فامیلی آن‌سوی مرز، نماد وحدت و مرزگستری هویت ایرانی اسلامی انقلابی است که در مقابل روایت کاذب گروهک‌های ضد انقلاب علیه مردم کرد زبان، در کنار فله‌های هویت بخش کرد انقلابی روایت شده است. بر خود لازم می‌دانم فقدان و غم ایشان را به خانواده محترم خصوصاً همسر مکرمه‌شان تسلیت عرض کنم و خاطر نشان سازم که ما را در غم خود شریک بدانید، ان‌شاءالله به پاس مجاهدت‌هایش به یاران شهیدش پیوسته است و برای ایشان علو درجات اخروی را از خداوند منان خواهیم.»

معاون فرهنگی اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پی شهادت امیرسعیدزاده سردشتی پیامی صادر کرد.



جشنواره چهل‌م پررنگ‌تر از پارسال

به نظر می‌رسد که جشنواره چهل‌م تئاتر فجر بهتر از جشنواره سی و نهم برگزار شود. این یک گمانه است که بر پایه داده‌های موجود و اعلام عمومی حاضران در جشنواره امسال انجام می‌شود. با آنکه پارسال جشنواره تئاتر فجر به امید اجراهای ۹۸ برگزار می‌شد و کورسویی از امید در آن دمیده می‌شد اما امسال و جشنواره چهل‌م بدون امید و بیم بسیار بود چون تقریباً تئاتر در سال ۹۹ تعطیل بود و امسال هم تا همین روزها جسته گریخته شاهد اجراهایی بودیم که اکثراً هم چنگی به دل نمی‌زند اما انگار شانس بار بود و ورق یکباره برگشت و همه چیز مهیا شد که یک جشنواره درخور تأمل پیش رویمان قرار بگیرد.

این گفته را به استناد بخش‌های متفاوت جشنواره و حضور کارگردانان و آثارشان می‌توان فهمید. بنابر تجربه سالیان گذشته، بویژه با آمدن آثار چشمگیر خارجی و حتی رقابت‌شان با کارهای داخلی می‌توانیم تازگی قابل‌وصفی را در برخی از سال‌ها در جشنواره تئاتر فجر ملاحظه کنیم که سال‌های پس از آن، شاهد دگرگونی آثار ایرانی بر پایه همین دیده‌ها می‌شدیم. یعنی یک نگاه بنیادین و پژوهش‌محور حاکم بر گزینش آثار خارجی بود که

پنجره ای رو به دیوار



رضا آشفته منتقد

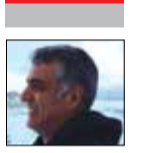


همواره تأثیر بهترین نمونه‌هایش بر آثار ایرانی برای سال‌های سال بر جای می‌ماند و چون سرچشمه‌ای بانی دگرگونی تئاتر ما می‌شد و چه بسا گاهی نیز این دگرگونی نیازمند سال‌ها مطالعه و تمرین و کار کردن باشد و برای نمونه می‌توان به هملت کار اوستر مایر از آلمان اشاره کرد که در سال ۱۳۹۶ در تالار وحدت اجرا شد. تأثیر اوستر مایر نیازمند چندین سال است که باید بر تئاتر ما سیری شود که بتوانیم مثل همان کار را اجرا کنیم اما این آرزو کاملاً شدنی است و می‌توانیم امیدوارانه در این مسیر همچنان چشم انتظار حضور بهترین کارهای بین‌المللی باشیم. این همان مسیر پایسته‌ای است که تئاتر ایران را پابرجا، پایدار و پویا خواهد کرد.به هر روی، جشنواره چهل‌م با همین جدول و حضور نام‌های متنوع و شناخته شده مانند گلاب آدینه، رضا صابری، علیرضا نادری، علی شمس، تینو صالحی، سجاد افشاریان، کهد تاراج، رضا گشتاسب، اکبر آیین، لیلی عاج، محمد برهمنی، مهسا غفوریزان، محمد نیازی، محمد لاریان، رضا بهرامی، وحید نفر و بسیاری از چهره‌های تئاتری جوانتر که با شور و انگیزه به‌دنبال شناخت تئاتر و حضور در فضای فرهنگی و هنری کشورمان هستند،

برگزار می‌شود. هر یک از این اهل فرهنگ و هنر به گونه‌ای در تثبیت تئاتر ایران تأثیرگذارند و چه بسا از خشکیدن چیزی به اسم مونولوگ وجود ندارد چون همیشه پای یک سال‌های بهتر چشم امید بست و با خود گفت که جشنواره‌های دیگر فارغ از این دردسرها و ممنوعیت‌ها جلوه حقیقی تری نیز به خود گیرد.

در جست‌وجوی شمس تبریزی

پیشنهاد



رضا ایمانی‌راد شاعر

«ملیک گرسنه» حکایت کودکی شمس است و تَرک خانواده، جابه‌جایی و یک‌جا نماندن، بستگی با مشایخ هم‌روزگار و گسستگی از آنان و سرانجام برخورد و آمیختن او با مولانا. حکایت‌کیمیایی است که بر مولانا واعظ و فقیه می‌ریزد و از او عارف و شاعر می‌افریند. حکایت‌ریودن مولانا از «جنگل قومی نامهور» و ستیز با آنان است، حکایت طالبی است که مطلوب می‌شود. نویسنده با تکیه بر مقالات شمس تبریزی، بر آن شده تا این واقعه را از دید خود شمس بیان کند. این دیدار نادری که برون از مکان و زمان، برون از عقل و منطق، برون از عاطفه و احساس، اجازه داد تا درویشی تندخو از واعظی مشهور یکی از بزرگ‌ترین شاعران و شاید بزرگ‌ترین شاعر جهان را ببیند آورد. نهال تجدد، نویسنده درباره انتخاب نام کتاب این‌طور توضیح می‌دهد که نام «ملک گرسنه» در این کتاب بر دو معنا اشاره دارد؛ اول آنکه مولانا در یکی از اشعار خود، شناختن از فرشتگان نامیده است. نویسنده نیز در پیشانی‌نوشت کتاب با ذکر این بیت، یکی از دلایل نامگذاری خود را بیان می‌کند.
دلیلی دیگر شاید تأکیدی بر گرسنه و طالب حقیقت بودن شمس و مولانا باشد. اینکه انسان همیشه طالب حقیقتی درباره جهان هستی است و گاهی نیز طالب شنیدن همان حقایق از یاران راستین است. یکی از نقاط قوت کتاب مطالعات بسیار نویسنده بر آثار مختلف عارفان دیگر، شمس و مولانا و سفرنامه‌هاست. محتوا و روایت این کتاب از دو بخش تشکیل شده است؛ بخشی از متن نوشته نویسنده است و برخی دیگر انتخاب‌های نویسنده از متون دیگر. نویسنده بخش‌هایی که از متون دیگر آورده شده را با ارجاع درون‌متنی مشخص کرده است. می‌توان گفت کار اصلی تجدد در این کتاب، همین انتخاب‌هاست. در جایی از کتاب می‌خوانیم: «شیوخ بسیاری دیده بودم و به جز دوسه تن که اسمشان ذکر شد، بقیه جذاب نبودند». اگر خواننده از طرفداران متون کهن ادب فارسی باشد، می‌داند که این جمله ابدالحن تاریخی ندارد و اساساً ترکیب «جذاب نبودن» در این جمله یک ترکیب معاصر است. وقتی این جمله در کنار جمله بعدی همین پاراگراف، که باز نقل قولی از متن عرفانی دیگری است، معاصر بودن خودش را بیشتر نشان می‌دهد. در انتهای این بخش باید بگویم که خوش‌خوانی یا دشواری این کتاب بسته به کتاب‌خوان بودن یا نبودن مخاطب نیست، بلکه آشنایی مختصر او را با متون کهن ادب فارسی می‌طلبد. در غیر این صورت ممکن است کمی دشوار باشد. البته عکس آن نیز صادق است. پس از او، با او، پس از او، سه بخش ملک گرسنه را تشکیل می‌دهند. موضوع اصلی هر بخش همچنان که از نام فصل‌ها برمی‌آید، زندگینامه خودنوشت شمس تبریزی است. با همان تقویم شمس که روی جلد نیز به آن اشاره شده است.

- ملک گرسنه**
- نویسنده: نهال تجدد**
- نشر چشمه**
- سال انتشار: ۱۴۰۰**

تابلوی نقاشی «پنجره باز» متعلق به سال ۱۹۲۹ میلادی که توسط «پابلو پیکاسو» نقاش اسپانیایی مشهور خلق شده است، برای نخستین بار در بیست و یکمین دوره از حراجی هنر سوررئال کریستیز (مارس ۲۰۲۲) به مزایده گذاشته می‌شود. کارشناسان ارزش تقریبی این اثر بین ۱۴ هزارالی تا ۲۴ هزار پوند تخمین زده‌اند./ ایسا

عکس نوشت



زمانه پندی آزادوار داد مرا

زمانه چون نگری سر به سر همه پند است

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری

بسا کسا که به روز تو آرزومند است

قصاید و قطعات رودکی

مهارت‌های گفت‌وگو/۴

«صداقت» و «شنیدن» گفت‌وگوی نان

را می‌سازد!

یک فنجان چای



آزاده سپهری‌ای روانشناس

حتماً شما هم در این موقعیت قرار گرفته‌اید که گفت‌وگویی را در میانه قطع کنید و یا حداقل از یک جایی به بعد حوصله تمام کردنش را نداشته باشید. گفت‌وگوهایی که شاید در میانه، احساس شکست در آن داشته باشید. گفت‌وگوهایی که آنقدر یکطرفه شده است که به جای «دیالوگ» بیشتر به یک «مونولوگ» تبدیل شده باشد. اگر جواب شما بله است حالا جیتان را عوض کنید! چقدر در گفت‌وگویی بوده‌اید که احساس کرده‌اید طرف مقابل

دوست دارد زودتر آن را تمام کند؟ چه میزان گفت‌وگویی را برای پیروزی آغاز کرده‌اید تا احساس غرور آفرین شکست طرف مقابل را داشته باشید؟ چقدر اهل مونولوگ‌های طولانی هستید و یادتان می‌رود دیالوگی در کار بوده است؟ چقدر به جای گفت‌وگو نصیحت کرده‌اید؟ به جای شنیدن و همدلی کردن، توصیه کرده‌اید یا دردهای خودتان را در میانه گفت‌وگو وارد کرده‌اید؟

در عالم تئاتر جایی که گوینده یک نفر است و تک‌گویی بلند دارد در واقع «مونولوگ» در جریان است که نقطه مقابل «دیالوگ» در عرصه نمایشی قرار می‌گیرد. نقطه مقابل از این نظر که این دو، دو شیوه تعاملی نمایشی متفاوت با مخاطب هستند. اما در عرصه واقعیت چیزی به اسم مونولوگ وجود ندارد چون همیشه پای یک شنونده در میان است حتی اگر در تمام طول مسیر تعاملی ساکت باشد، با آن سکوت دارد این تعامل را دو نفره می‌کند. اما چگونه یک گفت‌وگو در یک تعامل می‌تواند سازنده باشد؟ (در یادداشت شماره گذشته به شکل‌های مخرب آن اشاره کردیم.)روان‌شناسان مؤلفه‌های زیادی را در شخصیت یک فرد برمی‌شمرند که پیشگوی یک گفت‌وگوی سازنده است؛ از داشتن حس همدلی تا اعتماد به نفس؛ عموماً این شاخصه‌ها در مقابل عواملی مثل خشم، جدال، خصومت قرار می‌گیرد. روان‌شناسان در اتاق زوج درمانی به زوج‌ها پیشنهاد می‌دهند که در گفت‌وگوهایشان برای دوری از سوختنم، رسیدن به گفت‌وگوی سازنده کلی‌گویی نکنند، نیش و کنایه نزنند، ادب و احترام یکدیگر را چه رفتاری و چه کلامی حفظ کنند و در محدوده موقعیت و موضوع مشخص مورد بحث صحبت کنند تا گفت‌وگوی آنها سازنده باشد.اگر عموم کتاب‌هایی که درباره گفت‌وگوهای سازنده در هر مدل رابطه میان فردی نگارش شده را بخوانید، شاید بتوان گفت دو مشخصه بارز در میان آنها برای گفت‌وگوی سازنده برجسته است و پایه‌های گفت‌وگوی سازنده را می‌توان بر آن نهاد: «شنیدن» و «صداقت».

اگر گوینم «شنیدن» عمده بار انتقال یک پیام را به عهده دارد، اما همبای آنچه بیان می‌شود(کلامی و غیرکلامی) در انتقال پیام در یک گفت‌وگو مؤثر است. شنیدن با سکوت منفعلانه تفاوت دارد. سکوت منفعلانه گرچه خود شکلی از بیان است اما عموماً از سوی طرف مقابل تفسیر می‌شود به اینکه مثلاً منتظر است تا حرف‌های من تمام شود تا کلماتش را شروع کند» یا «اصلاً اعتنایی به حرف‌هایم نمی‌کند.» یا «این مساله برای او چندان مهم نیست» و... اما وقتی عنصر «شنیدن» وارد گفت‌وگو می‌شود، یعنی به شکلی همدلانه و مؤثر و فعالانه («سکوت» در جریان است و پیام «می‌شنوم» یا «می‌فهمم.» یا «درک می‌کنم» یا «درست می‌گویی» یا «به آن فکر می‌کنم» و... در جریان است.حالا بلافصله به عنصر مهم «صداقت» می‌رسیم. صداقت؛ اول با خود و بعد با دیگری، مهم‌ترین نقش را در یک گفت‌وگوی سازنده ایفا می‌کند. همانطور که مهم‌ترین نقش را در هر تعاملی ایفا می‌کند. شما نمی‌توانید صداقت خود را نشان ندهید و اعتماد ایجاد کنید. در گفت‌وگو مگر چه چیز جز بخشی از احساسات و افکار در جریان است؟ بخشی از وجود هر کس که دلیلی برای به اشتراک گذاشتنشان باید بیابد. چرا یک نفر باید انتخاب کند با کس‌ی که صادق نیست چیزی از مهم‌ترین درونیاتش را به اشتراک بگذارد؟

اگر شما ابتدا با خودتان صادق نباشید و بعد با دیگری، دیر یا زود باید مصاحب خود را تغییر دهید. چون ی گفت‌وگوهای‌تان به خصومت می‌رسید یا چیزی که پنهان کرده‌اید (از صفات خودتان یا تصویر آفرآق آمیزی که ساخته‌اید و...) بر ملا می‌شود و اعتماد خدشه‌دار می‌شود. صداقت در گفت‌وگو احترام و توجه به همراه دارد و از شما این تصویر را می‌سازد که برای تک‌تک جملات طرف مقابلتان احترام قائل هستید؛ آنقدر احترام قائل هستید که اگر در شرایط روحی مناسبی برای حضور در یک گفت‌وگو نباشید، بگویید: «می‌دانم دوست داری این مسأله را با هم در میان بگذاریم اما این لحظه خیلی خسته‌ام و شاید نتوانم بخوبی به حرف‌هایت گوش بدهم.» و به همین سادگی با بیان صداقت و تأکید بر عنصر گوش دادن جلوی گفت‌وگویی که احتمالاً به شکل مخربی شروع و خاتمه می‌یابد را خواهید گرفت تا زمانی که بتوانید یک گفت‌وگوی سازنده را شروع کنید؛ به شرط آنکه آنقدر صادقانه آن را گفته باشید که واقعاً خسته بوده باشید یا واقعاً برای صحبت‌های طرف مقابلتان ارزش قائل باشید در غیر این صورت این جمله به ظاهر صادقانه تماماً یک مکانیسم دفاعی برای فرار از گفت‌وگو خواهد بود! صادق باشید!

